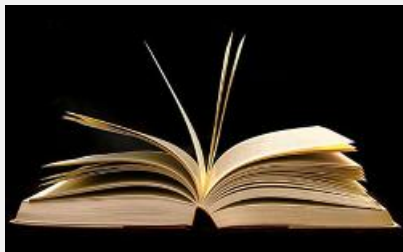


تاریخ فلسفه اسلامی



بخش عمده و چشمگیر آثار تاریخ فلسفه ی اسلامی که اکنون در حکم منابع اصلی این موضوع در اختیار دانشجویان و پژوهشگران فارسی زبان قرار دارد، ترجمه ی کتاب هایی از زبان عربی و زبان های اروپایی است.

بخش عمده و چشمگیر آثار تاریخ فلسفه ی اسلامی که اکنون در حکم منابع اصلی این موضوع در اختیار دانشجویان و پژوهشگران فارسی زبان قرار دارد، ترجمه ی کتاب هایی از زبان عربی و زبان های اروپایی است. مهم ترین اثری که تاکنون به زبان فارسی نگاشته شده، کتاب سه جلدی ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام است که با وجود ارزش های تردیدناپذیرش، به علت نداشتن انسجام و فقدان ترتیب مشخص در بیان موضوع ها نمی توان آن را اثری به شمار آورد که از پس کشیدن بار عنوان تاریخ فلسفه برآید. ناگزیر تنها مرجع موجود، همان ترجمه هاست که محتوایشان برای خواننده ی ایرانی شدیداً آزردهنده است. این آزردهندگی فقط به دلیل این موضوع نیست که حق فیلسوفان ایرانی، به ویژه جریان های پس از ابن سینا و فلسفه ی معاصر ایران، آن گونه که باید و شاید ادا نشده است، بلکه اساساً، دیدگاه تاریخ نویسان عرب، با مذاق فلسفی ایرانی ها، که بر اصالت تفکر اسلامی تأکید دارند، ناسازگار است. حنا فاختوری و ماجد فخری، با آنکه اصرار دارند از نگاه قدیمی شده ی شرق شناسانه به فلسفه ی اسلامی پرهیز کنند، نتوانسته اند اندیشه های فیلسوفان مسلمان را به گونه ای تقریر نمایند که نمایانگر اصالت و ارزش های ویژه ی آن باشد. این بی توجهی، به ویژه درباره ی فیلسوفان مؤسسی چون شیخ اشراق و صدر، می تواند به طور چشمگیری از ارزش این کتاب های در اصطلاح تاریخ فلسفه ی اسلامی بکاهد. البته در این میان باید حساب هانری کربن را جدا کرد که بزرگ ترین خدمت را به بخش ایرانی فلسفه ی اسلامی کرد و با معرفی گرایش اشراقی به غیر ایرانیان، سبب شد دست کم تاریخ فلسفه ی اسلامی نزد آنها چند صد سال جلوتر رود. با این حال تلقی خاص کربن از ماهیت فلسفه ی اسلامی و تأکید او بر ویژگی شیعی، سبب شد نگاهش نتواند میان سایر پژوهشگران پذیرفته شود و توجه آنان را به طور جدی به این بخش از فلسفه ی اسلامی جلب کند. دایرةالمعارفی هم که زیر نظر الیور لیمون و سید حسین نصر تهیه و تدوین شده، با اینکه کوشیده است بسیاری از کاستی های پیشین را جبران کند (که البته انصافاً هم این کار را تا اندازه ی بسیاری کرده است)، به خاطر ویژگی دایرةالمعارفی بودنش و پراکندگی و تعدد عناوین و نویسندگان، از وارد شدن جدی و عمیق به مباحث خودداری کرده و نتوانسته است کفایت این امر را بکند.

با این اوصاف، حالا بجاست که بپرسیم اگر تفکر فلسفی، فقط با وجود بستر فلسفی و فکری که دربردارنده ی ویژگی فرهنگی یک قوم و قبیله باشد ممکن است، اگر علت ناکامی ما در هضم و حل فلسفه و علوم انسانی غربی را باید در ناخودآگاهی و جدایی ما از ریشه های سنتی مان جست، و اگر غفلت و بی توجهی زما و دانشجویان علوم انسانی به این میراث کهن، درد بزرگ طرفداران و دلسوزان فلسفه ی اسلامی است، پس چرا هیچ تلاش مؤثری برای معرفی و شناساندن این میراث آن چنان که شایسته ی آن است نشده است؟

اینجا قصد نداریم تکرار مکررات کنیم و روضه ی همیشگی را سر دهیم، اما به واقع این نقص بزرگ، پیش از آنکه اسباب چهل دیگران بر ما باشد، اسباب چهل ما بر ماست. این طلبی است که نسل امروز از نسلی دارد که اکنون بر کرسی استادی فلسفه ی اسلامی نشسته است و همچون سایر اعضای افلیج نظام دانشگاهی، به جای آنکه ثمره ی کارش را در مقیاس گسترده ی فرهنگی و تاریخی دنبال کند، به کمیت ها و ارقام بی خاصیتی بسنده کرده است که نشان می دهد ما ده ها گروه علمی فلسفه ی اسلامی و صدها و بلکه هزاران مقاله و کتاب در این باره داریم، اما دریغ از آنچه بتواند از زیر بار خجالت بزرگان دیروز و دانشجویان امروز برآید! البته هنگامی که قرار است کاری از عهده ی این نقص بزرگ تاریخی برآید، نمی توان انجام دادن آن را از افراد طلب کرد، اما ...

معرفی کتاب های تاریخ فلسفه ی اسلامی

1. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (3جلد)

ماجرای فکر فلسفی را نمی توان به راحتی ازجمله کتاب های تاریخ فلسفه دانست؛ زیرا به بیان اندیشه های فلسفی محدود نیست و به جای اینکه در یکی از شیوه های تاریخ محور یا موضوع محور، اندیشه های متفکران جهان اسلام را مطرح کند، در مقالات متعددی که نظم و ترتیب منطقی نیز میانشان وجود ندارد، موضوع های نسبتاً جزئی و خاص در اندیشه ی کلامی و فلسفی را دنبال کرده است. بعضی از این مقالات اشخاصی را معرفی کرده اند که تاکنون کمتر معرفی شده اند مانند زکریای رازی، سیف الدین آمدی، جلال الدین دوانی، ابوالبرکات بغدادی، حکمای بعد از صدر و بعضی دیگر نیز اندیشه های خاص برخی فیلسوفان بزرگ را تبیین و بررسی کرده است؛ همچون حدود فلسفه و شریعت نزد ابن سینا یا شواهد اصالت وجود و مرجع ضمیر من در حکمت صدرایی. با این حال ازآنجا که دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی از استادان بنام مکتب صدرایی در فلسفه ی اسلامی است و به هویت ممتاز فلسفه ی اسلامی باور دارد، مباحث کتاب او از دقت و پشتوانه ی چشمگیری برخوردار است و به ویژه مقالاتی را که در آنها دیدگاه های مهم صدر را تبیین کرده است می توان در نوع خود بی بدیل دانست.

بخش بزرگی از ماجرای فکر فلسفی به تبیین دیدگاه های متکلمان و به ویژه مخالفت های آنها با فلسفه اختصاص دارد. نویسنده در این بخش کوشیده است تأثیر این مباحث را در پویایی و رشد فلسفه نشان دهد؛ از همین رو می توان این مجموعه را مدخل مناسبی برای آشنایی جدی با فلسفه ی اسلامی و درک هویت ویژه ی آن دانست. که توسط طرح نو منتشر شده است.

2. تاریخ فلسفه ی اسلامی (جلد 5)

این کتاب به سفارش انتشارات راتلج، به دست سید حسین نصر و الیور لیمون نگاشته شده و آن چنان که سید حسین نصر در مقدمه گفته، کامل ترین اثر دایرةالمعارفی درباره ی تاریخ فلسفه ی اسلامی است که تاکنون نوشته شده است. کتاب توسط جمعی از استادان فلسفه ترجمه و انتشارات حکمت آن را منتشر کرده است. کتاب دارای یازده بخش در پنج جلد است و هر بخش فصولی دارد که به قلم افراد متخصص آن زمینه است. بخش های کتاب عبارت اند از: زمینه ی دینی، عقلانی و فرهنگی؛ نخستین فیلسوفان اسلامی مشرق زمین؛ فیلسوفان مسلمان در غرب عالم اسلام؛ فلسفه و سنت عرفانی؛ فلسفه ی اسلامی متأخر، سنت یهودی در جهان فرهنگی اسلام؛ فلسفه و شاخه های آن؛ انتقال، تفسیر و تأثیر فلسفه ی اسلامی؛ فلسفه ی اسلامی در جهان جدید؛ تأثیر فلسفه ی اسلامی در غرب و کتاب شناسی فلسفه ی اسلامی. مهم ترین ویژگی این اثر در مقایسه با سایر آثاری که در غرب نوشته شده این است که به حکمای متأخر توجه داشته و بخشی را هم به جریان فلسفی معاصر در ایران، هند، ترکیه، پاکستان، جهان عرب، مصر و آسیای جنوب شرقی اختصاص داده که ممکن است برای خوانندگان فارسی کمتر شناخته شده باشد. اما تعدد نویسندگان و ویژگی متفاوت آنها و نیز دایرةالمعارفی بودن این کتاب، سبب شده است اثر یادشده فاقد نگاه واحد و جامع درباره ی کلیت فلسفه ی اسلامی باشد و پیوستگی اندیشه ها و تبادل و تعاطی افکار را نتواند نشان دهد.

تاریخ تحلیلی انتقادی فلسفه ی اسلامی

171#؛ عموماً مابعدالطبیعه های برگرفته از دین به مبانی و منابع غیر عقلانی توجه دارند. این مکاتب از فیثاغورس تا هگل و از سهروردی تا صدرا، همگی، به شکلی شناخت شهودی برگرفته از اشراق و الهام عقیده دارند که چیزی است جدای از تلاش های چشم و گوش و عقل و هوش، علاوه بر ویژگی های دیگر مانند بی اعتباری جان محسوس، وحدت و سریان حقیقت هستی. نتیجه ی زبان بار این گرایش غیر عقلانی، جز کوچک کردن و رها کردن حس و عقل انسان نیست (ص 174). این بند، بخشی از مباحثی است که دکتر سید یحیی یثربی در تعریف مابعدالطبیعه و دفاع از امکان آن نوشته است. گویا هدف ایشان از نگارش کتاب این است که با بازخوانی انتقادی تاریخ فلسفه ی اسلامی، از یک سو قابلیت ها و نقاط قوت مباحث فیلسوفان مسلمان را نشان دهد و از سوی دیگر با نشان دادن سستی و بی اعتباری برخی از اندیشه های آنها، راه را برای شکوفایی و تعالی مجدد فلسفه ی اسلامی هموار کند. مباحث کتاب ذیل شش عنوان کلی بررسی و نقد تعریف فلسفه، اصالت وجود یا ماهیت، علیت، خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی بیان شده و در هر بخش نخست گزارشی از دیدگاه های متکلمان و فیلسوفان مسلمان آمده و سپس انتقادات نویسنده بر این اندیشه ها مطرح گردیده است. دکتر یثربی در تعریف فلسفه سه ویژگی مهم را برای آن برشمرده است که عبارت اند از: فهم فراگیری از جهان به دست دهد، بر پایه قوای ادراکی بشر باشد و به این ترتیب ادعای تمامیت و بی نقصی نداشته باشد و سرانجام اینکه به واقعیت عینی توجه و استناد داشته باشد. این مورد آخر همان ویژگی مهمی است که به نظر دکتر یثربی، بخش چشمگیری از نظریات فیلسوفان مسلمان فاقد آن است. معیاری که ایشان برای سنجش مطابقت دیدگاه های فیلسوفان بر واقعیت به آن استناد کرده یافته ها و گزارش های علمی است که به زعم ایشان در قرون اخیر بطلان بسیاری از آن اندیشه ها را آشکار کرده است. ایشان همچنین با بررسی پیشینه ی هر یک از مباحث در فلسفه یونان، کوشیده است ریشه های تاریخی این مباحث را بیابد و از این طریق منشأ خطاها یا بدفهمی های فیلسوفان مسلمان را توضیح دهد. این نگاه خاص نویسنده سبب شد سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، که مسئولیت نشر کتاب را برعهده ی آن بود. نقد آقایان معلمی، خسروپناه و شاکرین را ضمیمه ی آن کند. محور اصلی این نقدها نیز این است که آقای یثربی در گزارش خود از فلسفه ی اسلامی، به تمام آثار و گفته های فیلسوفان توجه نکرده و نتیجه گیری هایش شتاب زده و غیر منصفانه است.

3. تاریخ فلسفه در جهان اسلام

حنا فاخوری و خلیل جر، نویسندگان کتاب معتقدند برخلاف نگاه شرق شناس ها، فلسفه در جهان اسلام وجود داشته و جدا از مباحث متکلمان بوده و دغدغه ی اصلی اش نیز دفاع از عقلانیت فلسفی و سازگار کردن آن با دین بوده است. همچنین به نظر آنها مهم نیست که این فلسفه را اسلامی بخوانیم یا عربی؛ زیرا نه محصول قوم عرب به تنهایی است و نه به طور مستقیم منبعث از تعالیم اسلام، بلکه تفکر مسیحیان و یهودیان نیز به ویژه در آغاز، بر آن متأثر بوده است. کتاب فوق را عبدالحمد آیتی ترجمه و انتشارات علمی فرهنگی منتشر کرده است در بخش نخست با عنوان مقدمات عامه، گزارشی مختصر از تفکر فلسفی در شرق و غرب دنیای باستان بیان شده و به کلام اسلامی و زمینه های فکری تاریخی آن اشاره گردیده است. در بخش دوم که به فلسفه ی اسلامی اختصاص دارد، نخست تأثیر متقابل اندیشه ی اسلامی و یونانی شرح داده شده و سپس دیدگاه های فیلسوفان مسلمان در دو بخش متفکران شرق عالم اسلام و متفکران غرب عالم اسلام، بررسی گردیده است.

با اینکه نویسندگان تصریح کرده اند که با نگاه شرق شناس ها مخالف اند، گزارش آنها از فیلسوفان شرق، به ابن سینا ختم می شود و فیلسوفان مؤسس پس از او را دربر نمی گیرد. حتی گزارش دیدگاه های فارابی و ابن سینا را نمی توان گزارشی کامل و منصفانه دانست. اما کتاب از آن رو که وارد مباحث پیچیده نشده و به ویژه اینکه فیلسوفان غرب عالم اسلام را به خوبی پوشش داده است، می تواند برای آشنایی اجمالی (و فقط اجمالی!) با فلسفه اسلامی به کار آید.

4. سیر فلسفه در جهان اسلام

ماجد فخری عنوان فلسفه ی عربی را برای اشاره به جریان فکری تاریخی مسلمانان مناسب تر دانسته و گفته که ویژگی عربی بودن، به رغم وجود فیلسوفان مشهور غیر عرب، مهم ترین ویژگی ای است که به پیدایش و بالندگی فلسفه در جهان اسلام کمک کرده است. این نگاه به طور آشکاری در تاریخ نویسی او نیز مشاهده می شود، به گونه ای که سهم فیلسوفان ایرانی در کتاب او اندکی بیش از دو فصل است (فصل چهارم با عنوان «171# سیر تکاملی مکتب نو افلاطونی»؛ که درباره ی فارابی و ابن سینا است و فصل دهم با عنوان «171# حکمت اشراق و مکاتب دیگر در برابر فلسفه ی مشائی»؛ که به سهروردی و ملاصدرا اختصاص دارد؛ به علاوه چند صفحه ای که به فیلسوفان طبیعت گرا مانند رازی اشاره کرده است). باین حال نگاه تحلیلی و منتقدانه ی او، این کتاب را از سایر کتاب هایی که فقط در حد گزارشی تکه و پاره هستند، متمایز می کند. فخری در فصل های آغازین به میراث یونانی و زمینه ی مذهبی و سیاسی اسلام در شکل گیری فلسفه اشاره کرده و با اختصاص دادن فصل هایی به جریان های اصلی فلسفی و کلامی، کار خود را با معرفی گرایش های متجدد و معاصر پایان داده است. در این بخش نیز هیچ اثری از فلسفه ی معاصر ایران نیست و به جای آن تفکرات اندیشمندان عرب طرفدار غرب مطرح شده است. ترجمه ی کتاب را گروهی از مترجمان، زیر نظر نصرالله پورجوادی انجام دادند و مرکز نشر دانشگاهی روانه بازار نشر کرده است.

تاریخ فلسفه اسلامی (جلد اول از آغاز تا درگذشت ابن رشد)

دلیل اصلی اهمیت این کتاب نگاه ویژه ی هانری کربن به فلسفه ی اسلامی و تلقی او از ماهیت و خاستگاه آن است. به نظر کربن ماهیت تاریخی فلسفه ی اسلامی را باید در بستر اصلی آن، که دین الهی و معرفت نبوی است، جست. او این فلسفه را فلسفه ی نبوی نامیده و باور به تفسیر معنوی قرآن را مهم ترین خصیصه ای دانسته که به شکل گیری این فلسفه منجر شده است؛ باوری که بیشتر در تفکر شیعه و تلقی او از نبوت ریشه دارد. براساس این تفکر ظاهر قرآن از باطن آن متمایز است و باطن همان حقیقتی است که در پس ظاهر شریعت مکتوم است و به صورت علمی خاص در اختیار نبی قرار دارد. پس از نبی این علم به ائمه منتقل شده است و ایشان عهده دار محافظت از معنای روحانی و باطنی قرآن شده اند. فکر شیعه از آغاز کار فلسفه ای را تقویت کرد که از نوع فلسفه ی نبوی بود و با دین نبوی سازگاری داشت. فلسفه ی نبوی مستلزم تفکری است که نه به وسیله ی سابقه ی تاریخی محصور می شود، و نه با کلمات و الفاظی که با تعلیم در قالب عقاید جزمی، ثابت و تغییرناپذیر شود محدود می گردد، نه در افقی که منابع و قوانین منطق استدلالی آن افق را حدبندی کند مشخص می شود. فکر شیعه متوجه انتظار است، اما انتظاری نه از طریق ظهور شریعتی نو، بلکه از راه تجلی همه ی معانی پنهانی یا معانی روحانی منزلات آسمانی. انتظار این ظهور در انتظار ظهور امام غایب ممثل شده است. عهد نبوت دیگر پایان یافته و عهدی جدید که عهد ولایت است جانشین آن گردیده، و این ظهور پایان این عهد است.

به نظر کربن وجود فلسفه ی اسماعیلیان پیش از ابن سینا، و وجوه عرفانی فلسفه ی فارابی و ابن سینا، دلیلی است بر اینکه زمینه ی فلسفه ی اسلامی را نمی توان به فلسفه ی یونانی منحصر کرد، بلکه تفکر و دریافتی که از طریق ترجمه ی فلسفه ی یونانی به دست آمد، صرفاً همچون وسیله ای در خدمت گسترش تفکر شیعی در آمد و فقط با توجه به این معناست که می توان درک کرد چرا فلسفه در ایران شیعی صفوی به اوج شکوفایی خود رسید. به این ترتیب تاریخ فلسفه ی اسلامی بررسی تفکری است که در پی تحقیق در باطن و حقیقت دین نبوی است.

نگاه کربن با تمام امتیازاتی که دارد، نگاه منحصربه فردی باقی مانده و نتوانسته است میان سایر تاریخ نگاران فلسفه ی اسلامی اقبال یابد. تأکید بر ویژگی شیعی و اسماعیلی فلسفه، به ویژه در تبیین فلسفه ی غرب جهان اسلام ناکام می ماند و درباره ی جریان های کلامی غیرعرفانی شیعی نیز سکوت می کند. کتاب را اسدالهن مبشری ترجمه و امیرکبیر منشر کرده است.

نویسنده : طاهره حبیبی عناوین